

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از تباهندگی تا بالندگی

دکتر مهدی غضنفری

استاد دانشکده مهندسی صنایع دانشگاه علم و صنعت

۲۰ مهر ۱۴۰۱

فهرست مطالب

۱. نظریه نفرین منابع

۲. نظریه تابیدگی

۳. مطالعه موردی (صندوق توسعه ملی)

۴. جمع بندی

۵. بحث و گفتگو

تقرین منابع

تئوری نفرین منابع

عدم توفیق برخی کشورهایی که دارای موهبت خدادادی و منابع سرشار طبیعی هستند باعث شده است که نظریات و دیدگاههای مختلفی در این زمینه مطرح شود.

معروفترین نظریه در این راستا **تئوری نفرین منابع** است.

این تئوری بتدریج برای توجیه همه شکستها و سوءمدیریتها در این جوامع بکار برده می شد.

ولیکن در سالهای اخیر با مذاقه بیشتری در مورد اثر منابع سرشار و حضور ترتیبات نهادی در چنین کشورهایی باعث شده است که نظریه ها و دیدگاههای جدید مطرح شود.

بسیاری از آنها بر این گزاره تاکید دارند که منافع طبیعی فی النفسه نمی توان نفرین تلقی شوند بلکه نحوه مدیریت درآمدهای حاصله است که با اهمیت می باشد.

تئوری نفرین منابع

در این راستا الگوهای متفاوتی از جمله تفاسیر مبتنی بر مدل‌های بیماری هلندی، نظریه تباهیدگی، الگوهای رانت جویانه، مدل‌های حمایت و تفاسیر نهادی برای توجیه و یا توضیح پدیده نفرین منابع طبیعی طراحی گشته اند.

در سالهای اخیر تبیینهای نهادی به تبیینهای غالب درباره علل نفرین منابع بدل شده است. برخی هم میان رویکردهای مختلف نهادی، بر نظریه نورث و همکارانش تاکید نموده‌اند که معتقدند مسئله اساسی در زمینه رشد اقتصادی کشورها نه کیفیت یک یا چند نهاد خاص بلکه روش پدید آوردن نظم در جامعه است.

نظریه‌های نفرین منابع در ایران

نظریه	نظریه پردازان
پدیده نفرین منابع در کشورهای با درآمد متوسط است، اما اثر این پدیده در کشورهای با درآمد بالا و درآمد پایین رد شده است.	عباسعلی ابونوری و دیگران
کشورهایی که دارای منابع طبیعی بالا هستند، به جای رحمت، نحسی و بلا با خود به همراه آورده است. کشورهای در حال توسعه به دو گروه کشورهای با درآمد سرانه بالا و پایین و کشورهای با درآمد بالاتر، در تبدیل ثروت ناشی از منابع به شرایط حکمرانی بهتر و رشد و توسعه اقتصادی، موفق‌تر عمل نموده‌اند.	محسن مهرآرا و مژگان معینی‌فر
تأثیر مثبت درآمد سرانه بر توسعه‌یافتگی مالی در کشورهای نفتی کوچکتر است و در این کشورها، نرخ ارز حقیقی نیز بر توسعه مالی اثرگذار است.	زیور اسدی و دیگران
منابع طبیعی فی‌نفسه نمی‌تواند نفرین تلقی شود؛ بلکه نحوه مدیریت درآمدهای حاصله است که با اهمیت می‌باشد.	محمدعلی شیرخانی و دیگران
وفور منابع معدنی از طریق چندین سازوکار مختلف سبب لطمه زدن به فقرا می‌شود. این سازوکارها عبارتند از: بی‌ثباتی در قیمت منابع اولیه صادراتی، افزایش در نابرابری، کاهش نرخ رشد، حاکمیت و ساختار سیاسی، بیماری هلندی و جنگ داخلی. این نهادها هستند که ثروت را به جای آنکه به موهبت تبدیل کنند؛ به نفرین تبدیل کرده‌اند و نمی‌توان وجود فقر را به وفور منابع طبیعی نسبت داد.	علیرضا جرحرزاده

نظریه‌های نفرین منابع در ایران

نظریه	نظریه پردازان
<p>شدت تاثیر درآمدهای نفتی بر سرمایه انسانی به میزان قابل توجهی در رژیم درآمد نفت بالا کاهش یافته است. بر این اساس، افزایش سرمایه انسانی در کشور از مسیر کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی میسر می‌شود.</p>	<p>یونس نادمی و هدی زبیری</p>
<p>مسئله اساسی در زمینه رشد اقتصادی کشورها نه کیفیت یک یا چند نهاد خاص، بلکه روش پدید آوردن نظم در جامعه است و نحوه پدید آوردن نظم، کیفیت نهادی و به تبع آن رشد اقتصادی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. همچنین نظریه نورث و همکارانش در مورد کشورهای دارای منابع طبیعی هم صادق است و کشورهای دارای منابع طبیعی که نظمی دموکراتیک دارند، دچار "نفرین منابع" نشده‌اند و توانسته‌اند از منابع خود در جهت رشد اقتصادی استفاده کنند.</p>	<p>جعفر عبادی و علی نیکونسبتی</p>
<p>در بلندمدت هر یک درصد افزایش (کاهش) در درآمدهای نفتی، باعث افزایش (کاهش) ۱.۴۳ درصدی در میزان فقر اقتصادی خانوارهای شهری می‌شود. این نتیجه مطابق با نظریات اقتصادی درخصوص رابطه درآمدهای نفتی و فقر در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. همچنین تاثیر منفی متغیر سرانه واقعی تولید ناخالص داخلی بدون نفت و مثبت توزیع درآمد بر میزان فقر دارد.</p>	<p>مجتبی ملکی</p>
<p>بین شاخص‌های حق اظهار نظر و پاسخگویی و شاخص پایداری در کشورهای صادرکننده نفت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد به گونه‌ای که در بازه زمانی مورد بررسی بهبود این شاخص منجر به بهبود کیفیت زیست محیطی می‌شود. همچنین تولید ناخالص داخلی و سهم ارزش افزوده کارخانه‌ای دارای اثر مثبت و شاخص وفور منابع تاثیر منفی بر توسعه پایدار داشته است.</p>	<p>سیدجواد رزمی و دیگران</p>

نظریه‌های نفرین منابع در ایران

نظریه	نظریه پردازان
کیفیت نهادهای و هر یک از شش شاخص حکمرانی خوب در مدل‌های مستقل همراه با فراوانی منابع طبیعی و تولید ناخالص داخلی بر توسعه پایدار تأثیر می‌گذارد.	سیدمحمد جواد رزمی و دیگران
کشورهای دارای منابع طبیعی و به خصوص نفت که دارای منابع مالی فراوان می‌باشند، چنانچه نتوانند به نحو مطلوب درآمدهای فراوان نفتی را مدیریت نمایند، نه تنها در مسیر توسعه موفق نیستند، بلکه با مشکلات عدیده‌ای نیز روبرو می‌شوند. اکثر کشورهای نفت خیز که به دولت‌های رانتیر نیز معروف می‌باشند، با مشکل بیماری هلندی روبرو هستند و فقدان مدیریت بهینه درآمدهای نفتی منجر به بروز مشکلات اقتصادی در این کشورها می‌شود. چنانچه الگوی مدیریت درآمدهای نفتی در این کشورها به سمت کنترل و تخصیص بهینه درآمدهای نفتی در جهت توسعه اقتصادی آنها باشد، می‌توانند بر مشکلات اقتصادی و همچنین شومی منابع فائق آیند.	سلیمی فر و فاضله خادم
دو شاخص کنترل فساد و کیفیت قوانین و مقررات دارای اولویتهای نخست در افزایش کیفیت نهادی کشورهای در مخاطره منابع طبیعی هستند.	میرشجاعیان حسینی و فرهاد رهبر
تلقی نمودن این منابع به عنوان کالای مصرفی نتیجه‌ای جز محصور کردن اقتصاد این کشورها در حلقه اقتصاد تک محوری نخواهد داشت.	محمود لاری و دیگران
منابع طبیعی فی‌نفسه نمی‌تواند نفرین تلقی شود؛ بلکه نحوه مدیریت درآمدهای حاصله است که با اهمیت می‌باشد.	محمدعلی شیرخانی و دیگران

نظریه‌های نفرین منابع در ایران

نظریه	نظریه پردازان
افزایش درآمدهای نفتی منجر به افزایش نابرابری شده و مطابق آنچه انتظار می‌رفت، افزایش نابرابری نیز به افزایش سرکوب مالی در اقتصاد دامن می‌زند. همچنین سرکوب مالی منجر به کاهش رشد اقتصادی شده است. از دیگر نتایج این پژوهش می‌توان به اثر منفی و فور درآمدهای نفتی (اثر مستقیم) بر رشد اقتصادی و اثر مثبت آن بر نابرابری نام برد.	محمد رضایی و دیگران
شدت تاثیر درآمدهای نفتی بر سرمایه انسانی به میزان قابل توجهی در رژیم درآمد نفت بالا کاهش یافته است. بر این اساس، افزایش سرمایه انسانی در کشور از مسیر کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی میسر می‌شود.	یونس نادمی و هدی زبیری
منابع طبیعی بر میزان ثبات سیاسی و میزان دموکراسی اثر منفی بیشتری دارد، در حالی که تاثیر منفی کمک‌های خارجی بر میزان کنترل فساد و حاکمیت قانون بیشتر است و بر میزان دموکراسی تاثیر معناداری ندارد.	سعید معیدفر و دیگران
توزیع نابرابر درآمد، از مشخصه‌هایی است که در بیشتر کشورهای دارای منابع طبیعی و منابع نفتی مشاهده می‌شود. دهه اخیر درآمدهای نفتی در کشورهای توسعه یافته‌ای که دولت کارا دارند، سبب کاهش نابرابری توزیع درآمد و در بیشتر کشورهای دارای دولت‌ها با کارایی کمتر سبب افزایش نابرابری شده است.	تیمور رحمانی و ماندانا گلستانی

نظریه‌های نفرین منابع در ایران

با توجه به نظریه‌های ارائه شده، می‌توان نتیجه گرفت:

✓ تئوری نفرین منابع، نظریه کاملی برای توجیه و تبیین وضعیت کشورهای دارای منابع خدادادی نیست. در کشور ما نیز متأسفانه فرایندهای زیانبار بسیاری در بخش اقتصاد فعال هستند که با کمی مذاقه می‌توان هزاران نمونه از آنها را در همه بخش‌ها مشاهده نمود.

✓ بین تعهدات نظام بانکی با آنچه که باید میزان مبنای وصول از محل تسهیلات باشد، همخوانی وجود ندارد. نظام بانکی ما در طی سال‌های گذشته از طریق پوشش تورم، ناکارآمدی خود را به شکلی پوشش می‌داد. (محمد رضا پورا براهیمی)

✓ برای پرداخت سود سپرده بیشتر به سپرده‌گذار بانک‌ها دست در جیب سهامداران کرده‌اند، لیکن باید حقوق تمام ذینفعان رعایت شود. (محمد رضا صادقی)

تباہیدگی

نظریه تباہیدگی

✓ نظریه تباہیدگی بیانگر نحوه رفتار ما با منابع کشور است.

به عبارت دیگر ما در استفاده از منابع خود ملاحظه کافی نداشته و از آنجا که کاستی‌های مربوط به استفاده نادرست از یک منبع، از طریق مصرف بیشتر همان منبع و یا منابع دیگر پوشش داده می‌شود، لذا تشخیص پدیده تباہیدگی در کوتاه مدت به راحتی مسیر نبوده و بعد از گذر زمان هم به دلیل عدم ذخیره تجربیات و مدیریت دانش، تحلیل درستی در این زمینه صورت نمی‌گیرد و برخی علل دم‌دستی به عنوان ریشه مشکلات معرفی می‌شود.

نتیجه تباہیدگی

✓ در همین شرایط:

دولت‌ها با صرف سایر منابع همگانی سعی می‌کنند نتایج زیانبار تباہیدگی را از جلوی چشم مردم دور کنند و مقابله با خسارات خانمان‌سوز این پدیده را به تأخیر بیندازند.

علل تباه شدن منابع

علل تباه شدن منابع و
به کارگیری نادرست آن

۱- نحوه بکارگیری و نظارت

۲- هدایت ناکافی درباره حجم
بالای منابع مورد استفاده

علل کاهش خروجی فرایندهایی که
منابع را مصرف می نمایند

- ۱- زیاده روی در مصرف
- ۲- کم توجهی در هدایت
- ۳- فقدان هوشمندی در نظارت

تعریف واژگان در تباهدگی

تبدیر در بکارگیری و اهمال در هدایت و نظارت بر دارایی‌های هدف

تباهنده

❖ منظور از "دارایی‌های همگانی" در این تعریف، همه منابع آشکار و پنهانی است که دولت‌ها و نهادهای عمومی به آنها دسترسی دارند که در صورت استفاده نابجا، تباهنده خواهند شد.

فرایند تباهنده: فرایندی که شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌ها بوده و منابع و امکانات (اصطلاحاً دارایی‌ها) را به عنوان ورودی مصرف می‌کند و ارزش درخوری تولید نمی‌کند. بعضاً خروجی یک فرایند تباهنده، منفی یا حداقل کمتر از ارزش ورودی‌های آن است. فرایندهای تباهنده می‌توانند در همه حوزه‌های اقتصادی و غیراقتصادی فعال شوند. در حوزه اقتصادی ممکن است در بخش‌های دولتی، شبه دولتی، تعاونی و خصوصی به وقوع بپیوندد.

تعریف واژگان در تباہیدگی

چرخه‌های تباہنده: چرخه یا زنجیره تباہنده مجموعه‌ای از فرایندهای تباہنده است که خروجی فرایند در قدم n آن زنجیره، ورودی فرایند در قدم $n+1$ در همان زنجیره (و یا زنجیره‌های دیگری) است. معمولاً در حوزه‌های اقتصاد، اجتماعی و امثال آن، خروجی یک فرایند، وارد فرایند دیگری می‌شود. حال اگر فرایند دوم هم تباہنده باشد، چرخه تباہندگی تشکیل می‌شود که نتایج آن نابودی تدریجی منابع و نهایتاً "منابع تباہیده" است.

تفاوت فرایندها و چرخه‌های تباہنده این است که در چرخه‌ها به دلیل وجود روابط دینامیکی میان اجزای سیستم، شرایط پیچیده‌ای ایجاد می‌شود. معمولاً حلقه‌های منفی بسیاری در طول چرخه فعال شده و سرعت تباہیدگی بالا می‌رود. وضعیت منابع در حضور یک چرخه تباہنده، وضعیت قافله‌ای را می‌ماند که چندین بار اسیر دزدان سرگردنه شده و هر بار بخشی از مایملکش به تاراج رفته است.

تعریف واژگان در تباهیدگی

قطارهای تباهنده: قطار یا شبکه تباهنده در برگیرنده مجموعه‌ای از زنجیره‌هاست که پدیده تباهندگی در همه اجزای آن به شکلی مشهود است.

وقتی تباهندگی از یک حوزه فراتر می‌رود و چند حوزه کاری را در برمی‌گیرد با وضعیتی گسترده‌تر از چرخه‌های تباهنده مواجه هستیم که **قطارهای تباهنده** نامیده شده‌اند. م

عمولاً در قطارهای تباهنده که متشکل از یک و یا چند شبکه از فرایندهاست، چرخه‌هایی وجود دارند که با تعداد متنابهی از حلقه‌های منفی، وضعیت کاملاً نابهنجاری را شکل می‌دهند.

عناصر تباهنده در این حلقه‌ها ممکن است بعضاً حتی به صورت رفتارهای فسادآمیز همچون ارتشاء، اختلاس، ارتکاب اعمال غیراخلاقی، تهدید به قتل، رفتارهای زیرزمینی و مافیایی مشاهده شوند. برای مثال در مورد قاچاق، به عنوان یک پدیده تباهنده، ممکن است بتوان یک یا چند قطار تباهنده را یافت.

تعریف واژگان در تباهیدگی

در مقابل این واژه‌های منفی، کلماتی با بار مثبت قرار دارند که به شرح می‌باشند:

بالنده: در مقابل کلمه تباهنده، واژه بالنده تعریف می‌شود که به معنای: **بهینه‌سازی ارزش و لزوم نظارت بر دارایی‌های هدف است.**

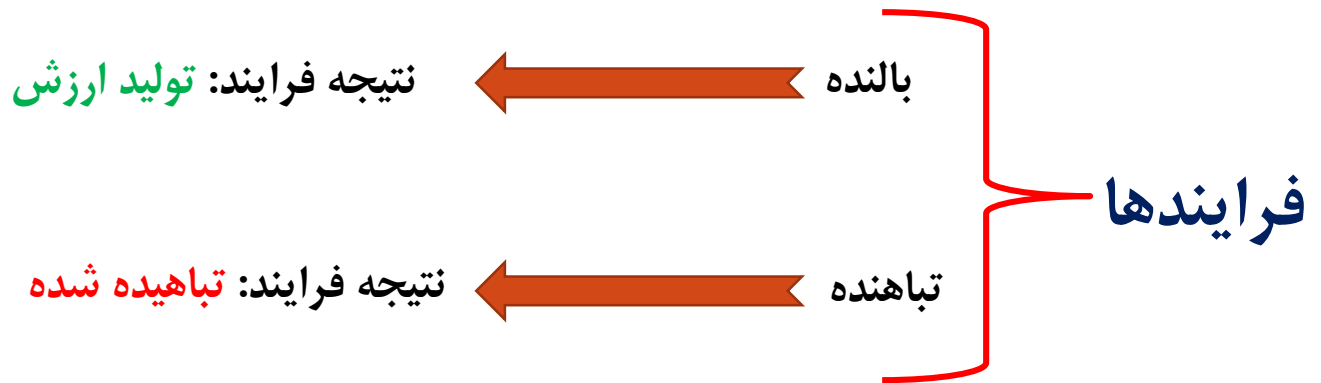


فرایند بالنده: فرایندی است که برخلاف فرایند تباهنده، با بکارگیری هوشمندانه و بهینه منابع، به دنبال ایجاد بیشترین ارزش خروجی می‌باشد. یعنی با استفاده از همه روش‌های علمی، بر روش‌های استفاده از منابع و محصولات فرایندها، نظارت کرده و تلاش دارد اتلاف‌ها را در هر شکل و وضعیتی به صفر رساند.

چرخه‌ها و قطارهای بالنده: سطوح بالاتر از فرایند بالنده بود که به همه‌گیری تفکر بالنده اشاره دارد و سعی می‌کند خروجی یک فرایند بالنده را به فرایند بالنده دیگری بدهد. در صورتیکه حداکثر قریب به اتفاق چرخه‌های متصل و مرتبط به هم در حوزه اقتصاد بالنده باشند، آنگاه یک قطار به وجود می‌آید که نتایج آن در بلندمدت، توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی همه اقشار است.

تعریف واژگان در تباهیدگی

بعد از فرایندها به سراغ منابع می‌رویم. منابعی که در فرایندهای بالنده، بکار می‌روند ارزش تولید می‌کنند اما منابعی که در خلال فرایندهای تباهنده مصرف می‌شوند، عملاً **تباهیده** می‌شوند.



تباهیده: تباه شده، دچار کاستی و نکس شده. منابعی که تحت تأثیر فرایندهای تباهنده قرار گرفته‌اند.

منابع تباهیده: منابعی که به دلیل گذر از یک فرایند تباهنده، ارزش اولیه خود را از دست داده و از ارزش کمتری برخوردار می‌شوند.

❖ در میان واژه‌های فوق، تباهندگی اشاره به فاعلیت فعل و تباهیدگی معنای مفعولیت فعل را دارد. یعنی تباهنده، اسم فاعل و تباهیده، اسم مفعول است. در واقع فرایندهای تباهنده، منابع مورد استفاده را تباهیده می‌کنند.

تباهیدگی در اقتصاد

نظریه تباهیدگی در اقتصاد به صورت زیر بیان می‌شود:

هنگامی که ظهور و بروز و آثار پدیده تباهندگی (شامل فرایندها، چرخه‌ها و قطارهای تباهندگی) در اقتصاد یک کشور از پدیده بالندگی (شامل فرایندها، چرخه‌ها و قطارهای بالندگی) بیشتر باشد، به تدریج منابع از بین رفته و اقتصاد آن کشور تباهیده می‌شود. کشف چنین وضعیتی از مطالعه آثار تباهیدگی و یا شناسایی عوامل تباهنده امکانپذیر است.

۱. تباهیدگی پنهان

۲. تباهیدگی آشکار

۳. تباهیدگی مزمن

اشکال تباهیدگی در اقتصاد

تباهیدگی در اقتصاد

نکته:

✓ نظریه تباهیدگی از زاویه "منابع" به اقتصاد نگاه می کند و از این بابت تفاوتی میان اقتصاد خرد و کلان نیست.

آثار تباہیدگی در اقتصاد

آثار تباہیدگی در اقتصاد:

۱. عدم افزایش یکنواخت و مستمر شاخص‌های "بیشتر-بہتر" اقتصاد کلان متناسب با منابع صرف شده در اقتصاد. همچون نرخ رشد، نرخ سرمایه‌گذاری و امثال آن.
۲. عدم کاهش یکنواخت و مستمر شاخص‌های "کمتر-بہتر" اقتصاد کلان متناسب با منابع صرف شده در اقتصاد. شاخص‌هایی همچون ضریب جینی، نرخ بیکاری، نرخ تورم و امثال آن.
۳. رشد مستمر و غیرکنترلی قیمت ارز یعنی کاهش ارزش و قدرت پول ملی.
۴. ضعف آشکار و نهان نهادهای اقتصادی همچون بانک، بورس، بیمه و امثال آن در قبال برخورد با حوادث و رخدادهای اقتصادی و یا سیاسی.
۵. کاهش توان صادرات کالا با ارزش افزوده و افزایش حجم خام‌فروشی.

آثار تباهدگی در اقتصاد

آثار تباهدگی در اقتصاد:

۶. تسخیر بازارهای داخلی توسط کالاهای خارجی (واردات رسمی و یا غیر رسمی)
۷. کاهش توان مردم برای حفظ سطح معیشت و یا ارتقاء آن
۸. نرخ بالای تعطیلی واحدهای کسب و کار و افزایش بدهی به بانکها
۹. پیر شدن چهره شهرها، کارخانجات، سازمانهای کسب و کار، تکنولوژی و نحوه ارائه خدمات
۱۰. نارضایتی مردم از سطح کیفیت و قیمت خدمات و کالای دریافتی
۱۱. گسترش ناامیدی و فساد در لایه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی
۱۲. فضای کسب و کار مبهم، غیرقابل پیش‌بینی و رانت‌زا

انواع منابع ملی و همگانی در معرض تباهیدگی در ایران

در کشور ما چندین نوع منبع سرشار وجود دارد که مجازاً به آن «چاه نفت» گفته می‌شود، برخی از آنها عبارتند:

چاه نفت واقعی: منابع نفتی، منابع گازی و فراورده‌های نفتی

چاه نفت طبیعی: معادن، مراتع طبیعی و جنگل‌ها، دریاها و منابع آبی، گردشگری

چاه نفت مصادره‌ای: اموال، املاک و کارخانجات مصادره‌ای و تملیکی

چاه نفت مجازی: امکان خلق پول (چاپ پول، تسعیر مجدد منابع ارزی) خطوط اعتباری بانکی

چاه نفت اکتسابی: درآمدهای مالیاتی، اخذ عوارض و تعرفه‌های گوناگون، فروش دارایی‌ها، فروش مجوزها، فروش تراکم (مخصوص شهرداری‌ها)

چاه نفت قرضی: استقراض داخلی و اوراق قرضه خزانه، استقراض خارجی، صندوق‌های بازنشستگی (درصدهایی که از کارکنان کسر شده ولی به علت تباهیدگی از بین رفته)

چاه نفت اعتباری: وقف، نذورات و سایر منابع بر پایه باورها و سرمایه‌های انسانی و اجتماعی (هرگاه همه چاه‌های نفت خالی شدند نوبت به سرمایه‌های اجتماعی می‌رسد، اخلاق تنزل می‌یابد و ناامیدی فراگیر می‌شود)

انواع فرایندهای تباهنده در ایران

مدیران تباهنده، تصمیمات تباهنده: به دلیل عدم تخصص، ناآگاهی و یا منافع شخصی یا گروهی

سازمان‌های تباهنده: با بکارگیری فرایندهای و کارکنان ناکارآمد

عملیات تباهنده: روش‌هایی با اتلاف منابع و بهره‌وری پایین

شرایط سیاسی و اجتماعی تباهنده: غیربهبینه شدن فضای کسب و کار، فرار سرمایه، سرمایه‌گذاری غیرمؤثر

قوانین و مقررات تباهنده: ابهام و فساد در فضای کسب و کار، پیچیده شدن کارها، ایجاد امضاهای طلایی

رفتارهای تباهنده: فشار مقامات محلی و نماینده مجلس برای احداث کارخانه در مکان غیراقتصادی، ایجاد

نگرانی ناشی از مصاحبه نادرست فلان مقام قضایی، دست‌یازی دست‌اندرکاران به منابع عمومی

ناآگاهی و نادانی و عدم تخصص: تقریباً ریشه همه مشکلات...

ویژگی‌های عمومی پدیده‌های تباهنده

برخی مشخصات عمومی فرایندها و سازمان‌های تباهنده:

۱. بی توجهی به هدر رفت گسترده منابع
۲. مشاهده آن در همه دولت‌ها
۳. تغییرات سریع و مکرر مدیران و برنامه‌ها
۴. عدم پاسخگویی شفاف و واضح مدیران
۵. تعویق ورشکستگی
۶. عدم شفافیت مسئولیت‌ها
۷. شکل‌گیری فساد
۸. تراکم نیرو

تعامل میان ذهن و عمل در پدیده تباهندگی

ذهنیت تباهنده: ذهنیت افراد و مدیرانی است که بی محابا به تباه کردن منابع مشغولند و هرگاه به مشکلی برمی خورند سعی می کنند سراغ منابع جدیدی بروند.

ذهنیت تباهیده: باور دارند که هیچ رابطه‌ای بین تلاش هدفمند و هوشمند و زندگی ایده‌آل وجود ندارد، بلکه راه دستیابی به آرزوها روش‌های میانبر و بکارگیری دغل و حيله و یا ارتباطات سیاه است.

تباهیدگی فیزیکی

مدیریت ناکارآمد چاه نفت
واقعی و اموال مصادره ای

تباهیدگی مجازی

استفاده از امکان خلق پول

تباهیدگی ذهنی

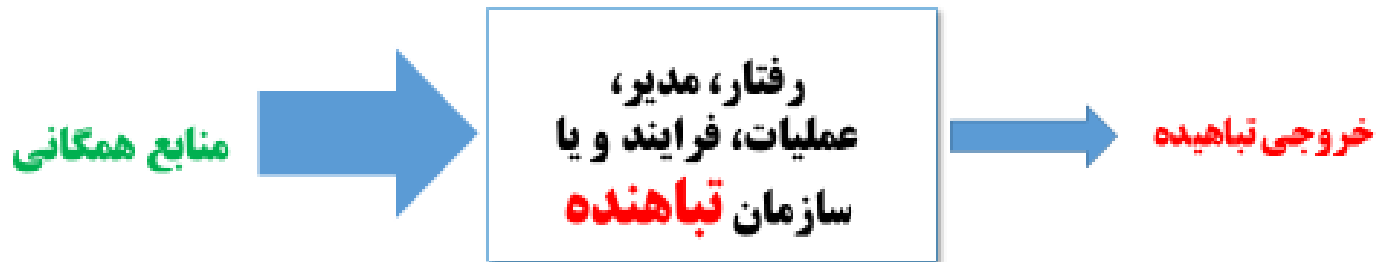
انتظار برای کسب منافع بیشتر
بدون تلاش موثر

مثالهایی از فرایندهای تباهنده

۱. حوزه کالا و یا خدمات (تولید کالا و خدمات گران و غیرکیفی)
۲. سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی (ارائه خدمات نازل)
۳. صنعت بانک، بیمه و بورس (تسهیلات بی‌بازگشت، رفتارهای رانتی حقوقی‌ها و نارضایتی مشتریان بیمه)
۴. دستگاه‌های متولی آموزش (فارغ‌التحصیلان بی‌مهارت و ناتوان در برخورد با مشکلات اجتماعی اقتصادی)
۵. صنعت هوایی، گردشگری و هتلداری (از دست رفتن هاب منطقه)
۶. حوزه بهداشت، سلامت و مواد غذایی (تولید مواد غذایی ناسالم)
۷. فضای کسب و کار (غیرامن نشان دادن محیط برای جذب سرمایه، بروز مشکلات برای تولید و صدور کالا و خدمات و کم‌توجهی به استانداردهای بین‌المللی)

اثر فرایند تباهنده بر منابع

✓ درهم تنیدگی فرایندهای تباهنده، گاه باعث می‌شود که بعد از تباها شده منابع نتوان به درستی تشخیص داد سهم هر فرایند در تباهدگی تا چه اندازه بوده است و لذا مبارزه با تباهدگی به یک چالش بسیار سخت تبدیل می‌شود.



ارزش خروجی تباهنده ناشی از فرایند تباهنده از ارزش ورودی فرایند کمتر است!!

اثر زنجیره ای پدیده تباهندگی بر منابع

جمع شدن نتیجه همه این "فرایندهای تباهنده" باعث شکل گیری "چرخه تباهنده" شده و نتیجه اش می شود "منابع تباهیده"



-- چرخه های تباهنده، ارزش افزوده منفی تولید می کنند --

قواعد
ده گانه
تپاهیدگی

قواعد دهگانه پدیده تباهیدگی

۱. **اثر ذاتی:** از عدم، ارزشی پدید نمی‌آید. هر ارزشی به ظاهر از عدم پدید آید، تباهیده است.
۲. **اثر تجمعی:** تزریق منابع بیشتر به فرایند تباهنده، آن را تباهیده می‌کند.
۳. **اثر دینامیکی:** اثر چند فرایند تباهنده متعامل، بیشتر از جمع آثار تک‌تک آنهاست.
۴. **اثر زنجیره‌ای:** اثر تزریق منابع بیشتر به حلقه‌های غیر گلوگاهی یک زنجیره، تباهیده کردن آن منابع است.
۵. **اثر سیستمی:** احتمال بروز فرایندهای تباهنده در سیستم‌های پیچیده‌تر، بیشتر است.
۶. **اثر فرهنگی:** تکرار فرایندهای تباهنده، به شکل‌گیری ذهنیت تباهنده منجر می‌شود.

قواعد دهگانه پدیده تباهیدگی

۷. **اثر تأخیری:** بروز آثار فرایندهای تباهنده معمولاً با تأخیر همراه است.

۸. **رویکرد پاداشی:** در سیستم تباهنده، حقوق و پاداش به نتایج بالنده مرتبط نشده است.

۹. **تباهندگی نهانی:** فرایندهای تباهنده پنهان، آثار بدتری دارند.

۱۰. **اثر نهایی:** نتیجه تلبار شدن فرایندهای تباهنده، بحران است.

مقایسه نظریه نفرین منابع، پدیده تباهندگی و بهره‌وری

نظریه نفرین منابع ← یک دیدگاه کلی که ورود به سطوح پایین‌تر تصمیم‌گیری را به بعد واگذار می‌کند.

نظریه تباهنده ← یک سطح پایین‌تر به سراغ فرایندها و زنجیره‌ها می‌رود و در کل ارزش را جستجو می‌کند.

بهره‌وری ← فراهم‌کننده شاخص‌های کارایی و اثربخشی به سراغ عملیات رفته و نگاه نسبتاً خرد دارد.

رویکرد تبدیل تباهندگی به بالندگی

- درک درست از مفهوم و تفاوت‌های عملیات، فرایندها، سازمان‌ها، چرخه‌ها و قطارهای بالنده و تباهنده
- شناسایی، فرایندها و سازمان‌های تباهنده در جهت اصلاح و یا حذف آن و ایجاد فرایندها و سازمان‌های بالنده
- شناسایی و اصلاح سبک‌های مدیریتی و رفتارهای تباهنده
- ایجاد موانع جدی برای دستیابی به ثروت بین نسلی و یا بدهکار کردن نسل‌های بعدی
- شناسایی در جهت اصلاح و یا حذف قوانین و مقررات تباهنده و محاسبه هزینه‌های آن
- ایجاد قواعد ساده برای جداسازی و تفکیک تباهندگی از بالندگی
- آشنا نمودن گروه‌های مرجع اجتماعی و اقتصادی با مفاهیم و کلیات تباهندگی و بالندگی
- ترویج و توسعه فرایندهای بالنده و ممانعت از رشد فرایندهای تباهنده

مطالعه

موردی

مطالعه موردی: صندوق توسعه ملی

➤ بهبود حکمرانی صندوق توسعه ملی براساس درس‌آموزی از حساب ذخیره ارزی

➤ اصلاحات در نگرش

➤ اصلاحات در بینش

➤ اصلاحات در کنش

➤ اصلاحات در منش

چرا حساب ذخیره ارزی شکست خورد؟

چه باید کرد؟

علل شکست حساب ذخیره ارزی

الف. اشکالات نگرشی و بینشی

- توهم بیکرانگی منابع
- تقدس تولید (تفاوت میان **تولید و توسعه**؛ حساب ذخیره قربانی تقدس فریبکارانه شد)
- خودی / ناخودی پول دولت (دیدگاه بانکهای عامل در مورد وجوه حساب ذخیره که پول دیگری-دولت- بود)
- تجربه اندک حکمرانی (تفاوت میان صندوق ریالی و ارزی)

ب. اشکالات کنشی و منشی

- تله تقسیم بندی و دام دسته بندی (سندرم آمبولانس، کوره راه مال رو)
- بیانیه‌های پشتیبانی از سوی انجمنها، نمایندگان، اتاقها و غیره (ناشی از نگرش نقطه ای و اشتباه بیکرانگی منابع)
- **اهمال و امهال** (ناشی از تصمیمات و عملکرد بانکها و دولتها)
- جهشهای ارزی و بهانه‌جوییهای فرضی

چه باید کرد؟

باز شناخت ماموریت‌های صندوق توسعه ملی

الف. اصلاح نگرشی و بینشی

۱- تعریف و تبیین

صندوق توسعه ملی، تنها صندوق ارزی کشور است. یک نهاد اقتدار ملی و پشتوانه اقتصادی در کنار بانک مرکزی است.

۲- تشخیص و تمایز

صندوق، بانک مرکزی یا بانکهای عامل یا بورس یا بیمه و یا امثالهم نیست. مثل بقیه نهادهای مالی پول و اعتبار دارد اما مثل هیچکدام نیست: صندوق توسعه فقط مثل خودش است و نه مثل دیگر نهادهای پولی-مالی.

الف. اصلاح نگرشی و بینشی

۳- تعالی مستمر

منابع صندوق، باید مثل جنگل رشد کند و نه مثل یخ در تابستان، آب شود. سهامداران صندوق، نسل فعلی و نسل آتی ایران عزیز هستند. منابع بودجه‌ای هر سال صفر می‌شود، اما منابع صندوق باید هر سال بیشتر شود.

۴- آرمان نهایی

آرمان نهایی، جدایی اقتصاد از نفت به کمک صندوق است. اما چگونه؟

(۱) درآمد نفت باید وارد صندوق شود (سرمایه) و

(۲) صندوق از طریق سرمایه‌گذاری و سودآوری (ثروت) بودجه کشور را فراهم کند.

ب. اصلاح کنشی و منشی

۵- تمرکز کاری

صندوق، شریک همیشگی بخش خصوصی است. ولی صندوق، منبع لایزال "قرض الپس نده" و یا "بزرگترین بنگاهدان" کشور نیست.

۶- تناسب آتی

صندوق نیاز به الگوبرداری و بهره‌گیری از تجربه مفید صندوقهای ثروت دنیا دارد. اینکه: کشور ما مثل بقیه کشورها نیست، شروع تله‌گذاری برای شکست است.

ب. اصلاح کنشی و منشی

۷- توجه مهم

صندوق اتاق تسویه و یا کلینیک پاکسازی اقتصادی نیست.
صندوق محلی برای انتقال تراز منفی ناشی از اختلافات سایر بخشها با دولتها نیست.
صندوق محلی برای سرریز نتایج ناشی از سیاستهای نادرست و یا تحریمها نیست.

۸- تذکر مهم

آزموده را آزمودن خطاست...
کسی منتظر باز شدن پنجره "اهمال و امهال" نباشد.
مگر می شود به یک بانک خصوصی یا خارجی گفت: وام تو را پس نمی دهم چون کالای من
قیمت گذاری شده؟

نتیجه مطالعه موردی

- تغییر نگرش در بسیاری از حکمرانان کشور
- تغییر نگرش و کنش در بسیاری از فعالان بخش خصوصی
- تغییر نگرش و کنش در مدیران صندوق
- ورود به حوزه‌های سرمایه‌گذاری (تبیین هفت سین)
- نكوهش پنج ب
- شروع به الگوبرداری از سایر صندوقهای ثروت دنیا

جمع بندی

جمع بندی و نتیجه گیری

اقتصاد کشورمان دارای نشیب و فرازهای متعددی بوده به نحوی که چرخه‌های تورم و رکود نیز راه را برای فعالان اقتصادی سخت کرده و افزایش قیمت ارز و یا کاهش ارز پول ملی نیز به بی‌اعتمادی‌ها دامن می‌زند.

نظریه تباهندگی که معتقد است فرایندهای تباهنده مقصر اصلی این فرودها هستند، فرایند تباهنده را فرایندی می‌داند که ارزش خروجی آن از ارزش ورودیش کمتر است. از دیدگاه این نظریه هر فرایندی که ارزش درخوری ایجاد نکند، تنها منابع را تباهنده کرده است و خودش تباهنده است. برای مبارزه با پدیده تباهندگی در اقتصاد باید هر تصمیم و ملاحظه‌ای که منابع بنگاهی، محلی و ملی ما را مصرف می‌کند و ارزش در خور ایجاد نمی‌کند، فوراً متوقف شود.

جمع بندی و نتیجه گیری

❖ در نهایت با آگاهی نسبت به قواعد مذکور و بکار بستن سازوکارهایی که فلسفه اصلی آنها مبارزه با فراینده تباهنده باشد، می توان فرایندهای بالنده را در اقتصاد بیشتر و بیشتر کرد و بجای نفرین منابع و نفله شدن آنها، شاهد سپاسگزاری از وجود منابع خدادادی و استفاده خردمندانه از آنها باشیم.

با تشکر از توجه شما